



۲۰۱۷/۰۶/۰۵



همایونشاه "عالمی"

## نفاق افکن

در آتش نفاق چرا؟ باد می زنی  
پیوند قوم های وطن ناگسستی ست  
بنیاد این وطن شده اقوام مختلف  
این باغ پُر ز گل شده الوان رنگها  
این میهن است مادر پُر مهر قومها  
یک تخم چشم پشتو و تخم دگر دری  
انواع بلبل است زبانهای ملک من  
شربت هزار بار که با آتش نفاق  
افغان زمین که جای اصیلان آریاست  
عقل سلیم هیچ نه توهین کس کند  
بهر خدا بس است پراکندگی ما  
پیش خدا که بهتری تقوا شمردن ست  
خاک وطن بدیده کشم از سواد عشق  
بهر مدد اگر شنوی حرف آشتی  
بین حلال زاده نشد حرف از نفاق  
اینجا مکان سلطنت علم و عشق بود  
اینجا ببین که ملک سنائی و مولویست  
خاک ره تفکر "سید جمال" شو

بیداد خود کنی و گپ داد می زنی  
با تیغ جهل خویش چه فریاد می زنی  
با تیشه چو تیغ به بنیاد می زنی  
ای فتنه کار طعنه به شمشاد می زنی  
تا جنگ افکنی به میان ناد می زنی  
مادر نه بی که مشت به اولاد می زنی  
زخم زبان به مردم ناشاد می زنی  
آن مشت موم جهل به فولاد می زنی  
بیجا سخن به مردم بهزاد می زنی  
دشنام بی اصول به افراد می زنی  
آتش به جمع مردم آزاد می زنی  
حرف نفاق خویش ز الحاد می زنی  
آتش بجان ملک خدا داد می زنی؟  
تیزاب را به دیده امداد می زنی  
حرف خودت چو آدم کمزاد می زنی  
حالا سخن ز طعنه و ایراد می زنی؟  
آن آبروی خویش چه برباد می زنی  
هر گه گلوی نادى فواد می زنی

در دامن عروس وطن لکه می نهی  
هر قوم عضوی از بدن این وطن شمر  
افغان نه بی که تفرقه اندازی میکنی  
ترک و هزاره، تاجک و پشتون برادریم  
این میهن عزیز چو استاد مکتبست  
از چند هزار سال بدین سو برادریم  
کم زن به فرق خویش از آن تیشه نفاق  
کی تیشه را ز عشق چو فرهاد می زنی؟

نی های میهنم به نیستان(همایون) است

دل نغمه های عشق که سرداد میزنی

۱۳ اکتوبر ۲۰۰۹ م  
وزیر اکبر خان مینه کابل - افغانستان

